

کمون پاریس ،

مبارزه بی امان کارگران انقلابی پاریس بر علیه ورسای ضدانقلابی

باید از ریشه بر اندازیم
کهنه جهان جور و بند
و آنکه ، نوین جهانی سازیم
هیچ بودگان هر چیز گردند
روز قطعی جدال است
آخرین رزم ما
انترناسیونال است
نجات انسانها
- بخشی از سرود انتر ناسیونال
شعر اوژن پواتیه (نجار فرانسوی) -

هر بار که مشغول مطالعه متون و کتابهای نوشته شده در باره قیام شکوهمند کارگران پاریس و تشکیل کمون پاریس ، اولین حکومت کارگری می‌شوم و در نهایت به در هم شکستن آن توسط بورژوازی فرانسه و همدستانش (باوجود اینکه بارها و بکرات در مورد این واقعه تاریخی مطالعه کرده ام) فکر میکنم ، هر بار خواندن روند حوادثی که به کمون پاریس انجامید ، برایم اهمیت و ارزش تاریخی این اولین تجربه پرولتاریای جهان در پاریس را صدچندان میکند. درعین حال تحسین و شگفتی بیش از حدی نسبت به مقاومت کمونارها و اعتقاد خدشه ناپذیری در من به پیروزی حتمی کمونیسم به وجود می آورد.

تحسین نسبت به و یادگیری از کمون پاریس و بکار بستن درسهای گرانهای آن از یکطرف و از طرف دیگری خشمی عظیم بر علیه سرکوب کنندگان کمون و اندوه فراوان برای سرنوشت کمونارها درمن بوجود میآید . این احساسات گوناگون همزمان در درون من زنده میگردند و وجود دارند . اما احساس اصلی حاکم بر من ، احساس شادی و شغف و وصف ناپذیر و افتخار به کمونارها بخاطر تحقق بخشیدن به این حادثه کم نظیر میباشد . افتخار به وجود اولین کارگرانی که دولت خویش را ، اولین دولت کارگری را بوجود آوردند و برای تمامی کارگران و کمونیستها در سراسر جهان درسهای گرانهای بی جا گذاشتند.

در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ کارگران و زحمتکش پاریس توانستند با نبردی بی امان و با فداکاری و شور و شوقی بی نظیر در مقابل بورژوازی فرانسه که تا به دندان مسلح بود ، قدرت را به دست گرفته و در ۲۸ مارس ۱۸۷۱ اولین دولت کارگری را به نام جاودانی " کمون پاریس " تاسیس نمایند. در به انجام رسیدن این واقعه تاریخی ، زنان کارگر پاریسی نقش بسیار مهم و ارزنده ای داشتند.

در کتاب جاودانه مارکس به نام " مبارزه طبقاتی در فرانسه " او در باره این واقعه بزرگ نوشت : " در سپیده دم ۱۸ مارس ، پاریس با شنیدن فریاد رعد آسای زنده باد کمون از خواب بیدار شد . ببینیم این کمون چگونه چیزی است ؟ این ابولوهولی که شنیدن نام آن خاطره بورژواها را آشفته میسازد چیست ؟ در بیانیه ۱۸ مارس کمیته مرکزی چنین آمده است: " پرولتاریای پایتخت که شاهد ناتوانی ها و خیانتهای طبقات حاکم بودند ، در یافتن که ساعت موعود برای آنان با بدست گرفتن زمام امور کشور را از وضع فعلی برهانند فرا رسیده است. پرولتاریا دریافت که وظیفه اجتناب ناپذیر و مطلق اوست که سرنوشت خویش را به دست گیرد و با تملک قدرت ، پیروزی این سرنوشت را تضمین کند. "

فرار رسیدن زمینه های این قیام دردوران جنگ فرانسه باپروس فراهم شده بود . روز ۲۸ ژانویه ۱۸۷۱ شهر پاریس در برابر فشارنیروهای آلمانی به فرماندهی بیسمارک سقوط کرد. کارگران وزحمتکش پاریس برای دفاع از شهر درارگانی بنام گارد ملی متشکل ومسلح شده بودند. ولی بعدازسقوط پاریس در برابر نیروهای پروس ، حکومت جمهوری فرانسه درصدد خلع سلاح کارگران وزحمتکش پاریس برآمد.

کارگران و نیروهای مسلح متشکل درگارد ملی ازخلع سلاح شدن امتناع ورزیدند و دست به دایر کردن دولت مورد نظر خود(کمون پاریس) زدند . متأسفانه عمر این اولین دولت کارگری بسیار کوتاه بود و از ۱۸ مارس ۱۸۷۱ تا ۲۹ می همان سال بیشتر ادامه پیدا نکرد و به طرز دهمنشانه ای مورد هجوم نیروهای مسلح بورژوازی (ورسای) قرار گرفت ودر یک نبرد سخت و نابرابر توسط نیروهای ضد انقلاب به خاک و خون کشیده شد.

کمونارهای دلیرتا آخرین لحظه باجنگ و دندان ازانقلاب و دولت کارگری دفاع کردند. زن ، مردوکودک ، فرمانانها درخیابانهاوکوچه های پاریس سنگر ساختند ، به مضاف بابورژوازی تاندندان مسلح شده رفتند . زنان با شجاعت و دلاوری های بی نظیری نقش زیادی در پیروزی کمون پاریس ایفا کردند. صدهانفراز آنها زن ومرد وکودک درگورستان پرلاشزدرپاریس درپای دیواری که بنام دیوارکمونارها معروف است با گلوله نیروهای ارتجاعی دولت فرانسه اعدام شدند.

درمجموع بیش ازهزاران نفر از کارگران ، زحمتکشان وانقلابیون پاریس ومدافعان کمون پاریس دراین نبرد نابرابر به دست نیروهای ارتجاع به خاک و خون کشیده شدند وهزاران نفر دیگرکه به اسارت درآمدندو بعدازشکنجه ها وتحمل سختی های فراوان به مناطق مستعمره فرانسه تبعیدشدند.

مارکس این تجربه بی نظیر طبقه کارگرفرانسه را در کتاب "جنگ داخلی در فرانسه " بطور مفصل و با دیدی عمیق و تیز بین شکافته و آن را از زاویه های گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است ، در عین حال چهره

کریه بورژوازی فرانسه و متحدان آن را به درستی و بطور بارزی افشاء نموده و در نهایت رسالت تاریخی طبقه کارگر را بر علیه بورژوازی به صراحت و روشنی ترسیم نموده است .

کتاب "چنگ داخلی در فرانسه" گنجینه عظیمی برای درک کمون پاریس و درسهای تاریخی آن میباشد . مارکس به اهمیت "انترناسیونالیستی" کمون در بخش دیگری از این کتاب تاکید کرده و نوشته " کمون در عین حال حکومت کارگری و از این بابت ، آن حکومت انترناسیونالیستی به معنای کامل کلمه بود . در زیر نظارت ارتش پروس که دو ایالت فرانسه را به آلمان ملحق کرده بود ، کارگران سراسر جهان را به کارگران فرانسه می پیوست ، کمون نیز حضور اتباع بیگانه را در صفوف خود برای کسب افتخار مردن در راه آرمانی جاودانه پذیرفته است . (مارکس چنگ داخلی در فرانسه)

برای مارکس کمون پاریس شکل مقدماتی حاکمیت طبقه کارگری دیکتاتوری پرولتاریا بود و نشان دهنده قهرانقلابی محرومان در برابرستم گران، استثمارگران و دشمنان آزادی بود.

کارهای اساسی کمون به اختصار : فرمان لغو ارتش و پلیس دائمی و زاندارمری. تنها نیروی مسلح ملیشیایی بود که متشکل از کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی میشد. فرمان مصادره اموال کلیساها و استفاده از کلیساهای به عنوان محلی برای جلسات سیاسی، فرمان تحصیل مجانی. اصل انتخابی بودن همه کارمندان دولتی و عزل و نصب آنها در هر زمان و به اراده شورای کمون. سوزاندن و از بین بردن وسائل کیوتین و شکنجه.

لغو حکم اعدام، جدایی دین از حکومت و مدرسه، آزادی بی قید و شرط. سطح دستمزدهای سطح دستمزد کارگران رسید. کمون از مشاوران شهری که برای عمومی مردم در نواحی گوناگون برگزیده میشدند تشکیل میشد. این افراد در هر لحظه باید پاسخگو میبودند و مقامشان پس گرفتنی بود. اکثریت اعضای شورای کمون از کارگران، یا نمایندگان سرشناس طبقه کارگر بودند.

بالا تر و مهمتر از همه این بود که طبقه کارگر برای اولین بار سیستم حکومتی خویش را بنیان نهاد و تجربه کرد. در عین حال به نیرو، توان و قدرت بی نظیر خود واقف گشت و پرچم سرخ انقلاب پرولتری را برافراشت. پرچم کمون پرچم جمهوری جهانی است . یاد و درسها و خاطره کمون پاریس ، اولین دولت کارگری گرامی باد .

بنفشه کمالی

<http://shadochdt.wordpress.com>

banafshekamali@gmail.com

۲۰۱۷-۲۰۱۰